



صدیق وفا

گشایش در چیه عبسوی گفتمان

در رابطه به همایش وسیع مؤرخ 19 اپریل 2008 نیروهای ملی و دموکرات افغانستان در اروپا، برداشتها، واکنشها، گزارشها و بینشهای گونه گون ارایه گردید، من هم منحنیث یکی از شرکت کننده های این همایش و علاقمند تفاهم، همسویی و همیاری نیروهای ملی، مترقی و دموکرات میخوام طور فشرده، مؤجز و روشن ابراز نظر نمایم:

طوریکه در نبشته نخستین خود پیرامون اجلاس یاد شده اشاره ای بجا نموده و گفته بودم که " نمیتوان از همایش 19 / 4 / 2008 نیروهای ملی، مترقی و دموکرات منعقد کشور هالند توقعات و انتظار خارق العاده و خارج از امکان را داشت که بتواند همه نا ملایمات را یکسره هموار سازد و راه چند ساله را به یکشبه طی کند" روند جلسه بر حقانیت این پروگنوستیک (Prognosticate) یا پیشگویی عینی و قرین به حقیقت ما صحه گذاشت، دشوار بود و هست که از همچو اجلاس آنهم در عالمی از ابهام و فقدان تجربه کافی کار مشترک و جمع آمد عناصر و نیروهای خیلی ها دور از هم بویژه با ترکیب نامتجانس و متلون آن انتظار داشت که همه ناملایمات را هموار نموده و همه خواهشات را بر آورده سازد.

میرهن است که بعد از فروپاشی نظام دموکراتیک در افغانستان نیروهای مترقی اما سرخورده و بیازمانده های جنبش چپ دموکراتیک، راهها و اندیشه های متفاوت را بخاطر بیرون رفت از وضعیت مطرح کردند و هنوز هم شاید راههای تازه ای را پیشکش کنند، در انبوه از راهها دوگرایش جلب توجه مینماید، یکی تکیه بر شیوه های کلاسیک که همانا نگرش به رشد نیروهای مؤلده و بر انداختن مناسبات تولید میباشد، که تحت عنوان ایجاد دولت واقعا دموکراتیک از آن یاد آور شده و همزمان مبارزه مسالمت آمیز را نفی نمی نمایند ولی در این عرصه نخست باید به احیاء و بیازشناسی نیروهای مؤلده و تشخیص آن پرداخت، چون کارگر و دهقانی با درجه رشد و آماده گی لازم وجود ندارد و از جانی با پیدایی نیروهای خُرده مالک و خُرده بورژوا و سایر اقشار و طبقات متوسط وضع چنان دگرگون شده که دریافت حلقه اتصال زحمتکشان نهایت دشوار و مبهم گردیده است، هکذا هنوز زیر ساختهای اقتصادی و مدنی لازم در افغانستان بمنابیه شروط استقرار متعادل سرمایه داری در این کشور بمیان نیامده، چه رسد به آماده گی های گذار به جامعه بالاتر، خشونت و انتقام گیری که میراث گذشته است با صد ها عوامل سد کننده دیگر برای گذار جامعه به نظام مترقی کماکان سر راه نیروهای تحسول طلب و دموکرات قد بر افراشته و مانع بزرگ ساختمان جامعه عاری از تناقضات و مخالفتهای شدید است، که این همه خواهان سرد سازی انقطابات و ناهمگونی ها نبوده و مستلزم سپری کردن یک دوره طولانی مبارزه مسالمت آمیز و قانونی بوده و متضمن گذار به چنان شرایطی ایست که تنوری ها راهش را دریابد و دهها مطلب دیگر که حتا تذکر آن پیش از وقت به نظر میرسد، هرچند بعضی ها با برخورد نقادانه با

گذشته و بکار برد شیوه های نوین می‌خواهند راهگشایی کنند و معیارهای تازه ای را فرا راه قرار دهند، ولی در نتیجه گیری ها بازم به همان راه و روش کلاسیک تاکید می‌ورزند، چنانچه ایشان برهان و دلایل این انتخاب را هم پیشکش نموده اند، که پرداختن بدان در این بحث نمی‌گنجد، نگرش دومی عبارت از **گزینش متحول ساختن تدریجی نظام سیاسی افغانستان از**

طریق وسایل مسالمت آمیز و قانونی ایست، که تکیه بر ارزشهای دموکراتیک قانون اساسی و دفاع از منافع زحمتکشان در کار این روند برجسته گی ویژه ای دارد، چنانچه بیشترین نیروهای گرد آمده در همایش هالند با سود از ارزشهای دموکراتیک قانون اساسی کشور به راجستر احزاب شان پرداخته اند و با استفاده از قانون در انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی اشتراک ورزیده اند و در حقیقت طرفداران نظریه متحول ساختن تدریجی نظام سیاسی افغانستان میباشند.

در اجلاس یا همایش اپریل 2008 هالند توقع میرفت که طرفداران هردو گرایش کنار هم قرار گیرند و پیرامون اندیشه ها و طرز دید شان اظهار نظر کنند، اما روند تشکل اجلاس بنابر کمبود تجربه سازماندهنده گان آن از یکطرف و شتابزده گی ها و امتیاز دهی ها و امتیاز گیری ها نتوانست به سمت همسویی های فراگیرتر راهیابی کند، چنانچه طرفداران گرایش اولی بنابر دلایلی که داشتند و دارند از شرکت در این اجلاس ابا و ورزیده و دیگران را به شرکت در سمینار فراخواندند، کمیسیون تدارک با هوشیاری توانست پیشنهاد شرکت در اجلاس و متعاقباً سمینار را تایید کند، شخصیت‌های مستقل سیاسی که تاکنون وابسته گی تشکیلاتی به هیچ یک از سازمان‌های شرکت کننده در همایش و همچنان خارج همایش ندارند، مفکوره شرکت همسان در اجلاس و سمینار را به کمیسیون پیشکش نمودند، که مورد پسند واقع گردید و به آگاهی عامه رسانیده شد، اما اعلامیه ها و واکنشهای بعدی راه شرکت برخی رفقا در همایش را مسدود و گویا ایشان شرکت در همایش را تحریم نمودند، بدینترتیب همایش به مرکز تجمع و گرد همایی طرفداران گرایش دومی که عبارت از حامیان متحول ساختن نظام سیاسی افغانستان با وسایل مسالمت آمیز و در چوکات قانون اساسی افغانستان میباشند مبدل گردید.

قابل یاد آوری ایست که طرفداران این طرز دید که عناصر اصلی شرکت کننده در همایش را تشکیل میدادند، نسبت سالها دوری از همدیگر و مبارزه در مواضع متفاوت از هم و نزاکتهای بمیان آمده در این سالهای دشوار نتوانستند بصورت دقیق از طرحهای همدیگر مستفید شوند، چون فضا طوری بود که هریک سازمان تلاش داشت که در اخذ مواقع، گرداننده گی ها، برجسته بودن ها و سخنرانی ها از همدیگر عقب نمانند، چنانچه هریک عضو کمیسیون وابسته به هریک از سازمانها و جناحها قبل بر همه متوجه این امر بود که حریف کوی سبقت نبرد و گویا نزد سازمان ورفقای خود کم نیاید، با چنین روحیه مسلط بر روان همایش دشوار بود که اجلاس را حلال همه نا ملایقات دانست.

ما شاهد هستیم و بیم آن میرفت که نسبت چنین گرایشها و تمایلات اجلاس نتواند به نتایج حد اقل برسد، روی این ملحوظ اهل خرد و کارشناسان که نقش شخصیت‌های مستقل سیاسی در آن برجسته بود بدین آراء شدند که با وجود همه کشمکشها، اجلاس باید با نتایج مثبت پایان یابد، به اعضای کمیسیون و همچنان مسوولین اروپایی سازمانها و احزاب دوست پیشنهاد گردید، تا اگر در مقطع کنونی پیرامون تشکل سازمان واحد سراسری که آرزوی دیرینه همه ماست نایل شده نمی‌توانیم، لطفاً توجه فرمایید که به نتایج حد اقل که عبارت از ایجاد کمیته مشترک ذیصلاح بوده و این کمیته توانایی تداوم این پروسه را داشته باشد نایل آنیم، همان بود که در اثر فشار متواتر اشتراک کننده ها توافق بعمل آمد که کمیته

مشترک ایجاد شود و دریچه یی بسوی گفتمان باز گذاشته شود.

گفتمانی که سر آغاز تفاهم و توافق پیرامون اهداف و دورنمای استراتژیک این روند باشد، آشکار است که بدون داشتن یک خط مشی روشن و نصب العین مشخص دشوار است در تاریکی به سر منزل مقصود که همانا همسویی در رابطه به انتخاب درست و پاسخ منطقی به پرسش چه باید کرد است رسید، داشتن برنامه های طویل و عریض جوابگوی پرسش کنونی نمیباشد، اوضاع کنونی درک همه جانبه اوضاع را توأم با تیز هوشی و تیز بینی می‌خواهد که برخی سیاستگذاران ما از آن بهره کمتر دارند، کسانی که شوق سیاست دارند، باید تیز هوش و سخت کوشا باشند، تنبلی ها و کند ذهنی ما رابجایی نمی‌رساند، کسانی که سیاست می‌کنند، باید به همه مسایل و نزاکتهای سیاسی و دیپلماتیک و تفاهم آگاهی همه

جانبه داشته باشند، در حالیکه شماری فقط شعار های عام را سر میدهند و همینقدر میدانند که چگونه نظریات خود را به کرسی نشانند و حریف را مات کنند، در سیاست مات حریف هدف است، ولی با وسایل مقدس و مروج، نه با وسایل و ابزار کهنه و فرسوده اختلافات لسانی و قومی و یا تحریکات ملی و ناسیونالیستی که کار برد این شیوه های منسوخ آنقدر به جنبش و نهضت مضر است که بدتر از وسایل دین و مذهب است که دکانداران دین پیشه نموده اند.

با این همه ناملایماتی که فرا راه اجلاس اپریل نیروهای مترقی افغان در کشور هالند وجود داشت، رسیدن به تفاهم و توافق پیرامون ایجاد کمیته یی که این روند را ادامه دهد و همچنان تفاهم در مورد صدور پیام واحد و توافقنامهء واحد ولو که از نگاه طرح سیاسی آن، تسلسل جملات و طرز املاء و انشاء بسا نواقص دارد، کار بزرگ و دستاورد قابل لمس این همایش میباشد.

اگر منصفانه قضاوت شود، نایل آمدن به گشایش چنین درجه گفتمان میان سازمان ها و احزاب دوست و همسو با شرکت فعال شخصیت های مؤثر سیاسی بزرگترین نتیجه و دستاورد همایش مذکور بوده و توقع بیشتر از آن پیش از وقت و نامناسب خواهد بود.

چون سایر رفقا و دوستان جنبه ها و ضعف های تخنیکی اجلاس و میکانیزم و طرز پیشبرد آنرا مورد کنگاش و انتقاد قرار داده اند، من در اینجا فقط یاد آور میشوم که به استثنای دو، سه بیانیه تحریری و قبلاً آماده شده که جنبه های تحلیلی داشت و یکی دو سخنرانی شفاهی و ابراز نظر مناسب، علمی و کارشناسانه بیشترین بیانیه ها و ابراز نظریات یا خارج موضوع بودند یا در سطح نهایت نازل و مبتدی برای کتله ای که خود سالها عمر شان را در مبارزه سیاسی سپری نموده و چنین برنامه های طویل را بار ها در نشرات و سایتهای انترنیتی به خوانش و نقد گرفته اند و حتا خود آنرا در اوضاع و احوال مختلف تنظیم و ترتیب داشته اند، زاید و خسته کن به نظر میرسید، با خوشبینی به آینده تابناک و عاری از شتابزده گی به همین چند نکته بسنده کرده و امید است، هرچه زودتر کمیته مشترک بمثابه کمیتهء نخست فعال شود و بااستفاده از تجارب و خلا های کمیسیون قبلی و انگشت گذاری به نواقص و کمبودی های اجلاس یاد شده، طرح های تازه و برارنده را پیشکش و در تحقق آن مسوولانه و کارشناسانه مبادرت ورزد، در این کمیته نباید محاسبات تنگ گروهی، سمتی، لسانی و تمایلات شخصی چیره شود، ورنه سرنوشت بهتر از اجلاس را نخواهد داشت.